# فهرست مطالب

[خطبه اول 2](#_Toc425545830)

[دو سبط بزرگوار رسول خدا (ص) 3](#_Toc425545831)

[مردم احترام خاصی نسبت به امام حسن و امام حسین (ع) داشتند 3](#_Toc425545832)

[جامعه در چهرهٔ امام حسن و امام حسین (ع) رسول خدا (ص) را می‌دید 3](#_Toc425545833)

[زندگی امام حسن و امام حسین (ع) از اول الهی بود 3](#_Toc425545834)

[خصلت­های الهی در دو بزرگوار 4](#_Toc425545835)

[عالی‌ترین وراثت‌ها در امام حسن و امام حسین (ع) جمع بود 4](#_Toc425545836)

[تربیت دو امام بزرگوار 4](#_Toc425545837)

[دودمان بنی هاشم 4](#_Toc425545838)

[وراثت و تربیت دو امام بزرگوار 5](#_Toc425545839)

[خداوند همه­ی ارزش­ها را در دو امام بزرگوار جمع کرده بود 5](#_Toc425545840)

[مظهر عشق خدا و رسول خدا (ص) 5](#_Toc425545841)

[خصوصیت امام حسین (ع) 5](#_Toc425545842)

[امام حسین (ع) قابل قیاس با دیگر کودکان نبود 6](#_Toc425545843)

[سخاوت امام حسین (ع) 6](#_Toc425545844)

[رسیدگی به محرومان 6](#_Toc425545845)

[مظهر شجاعت و صراحت لهجه 7](#_Toc425545846)

[سخنرانی امام حسن (ع) و امام حسین (ع) 7](#_Toc425545847)

[امتیازات امام حسین (ع) 7](#_Toc425545848)

[اخلاق خوب و گشاده­رویی دو امام بزرگوار 8](#_Toc425545849)

[تحمل صبر امام حسین (ع) 8](#_Toc425545850)

[از هر سو باران مصیبت بر امام حسین (ع) فرود میآمد 8](#_Toc425545851)

[امام حسین (ع) امید داشت شاید صلحی بشود 8](#_Toc425545852)

[ناصافی­ها همه رفته بودند 9](#_Toc425545853)

[فردا همه به سوی شهادت خواهیم رفت 9](#_Toc425545854)

[درهای آسمان به روی خیام حسین (ع) باز شد 9](#_Toc425545855)

[شهدای کربلا مراتب دارند 9](#_Toc425545856)

[گریه­ی بر حسین (ع) 10](#_Toc425545857)

[روضه 10](#_Toc425545858)

[خطبه دوم 11](#_Toc425545859)

[مناسبت­ها 11](#_Toc425545860)

[حضور در هیئات 11](#_Toc425545861)

[مراسم­ها نسل آینده­ی ما را حفظ می کند 12](#_Toc425545862)

[پیش بینی زینب کبری (س) 12](#_Toc425545863)

[غروب خونین عاشورا 13](#_Toc425545864)

[وظیفه­ی ماست که این مکتب را بشناسیم 13](#_Toc425545865)

[هیئت­ها را الهی کنید 13](#_Toc425545866)

[وظیفه­ی هیئت­ها 13](#_Toc425545867)

[همایش مشاورهٔ دینی 13](#_Toc425545868)

[استفاده و اجرای این برنامه­ها ارزشمند است 14](#_Toc425545869)

[تشکر از هیئات 14](#_Toc425545870)

[رسیدگی به مسائل اخلاقی و تربیتی فرزندان 14](#_Toc425545871)

[توجه به کنکور 14](#_Toc425545872)

[هر کسی یک ذوق و استعدادی دارد 14](#_Toc425545873)

[برخورد با جوانان 15](#_Toc425545874)

[مسائل اخلاقی را مهم بدانیم 15](#_Toc425545875)

[دعا 15](#_Toc425545876)

# خطبه اول

اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نصلم علی سیدنا و نبینا ابالقاسم محمد (ص) و علی آله الاطیبین الاطهریناعوذ بالله السمیع العلیم، من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیمیا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُواْ اتَّقُواْ اللّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلاَ تَمُوتُنَّ إِلاَّ وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ[[1]](#footnote-1) عبادالله اوصیکم و نفسی بتقوا الله و ملازمة امره و مجانبت نهی و تجهزوا عبادالله فقد نودی فیکم بالرحیل و تزودوا فان خیر زاد التقوا

همهٔ شما برادران و خواهران ارجمند و گرامی و خودم را به تقوا، پارسایی، پرهیز از گناه و آلودگی‌های معصیت، تهذیب نفس و اخلاق، پرهیز از هواها و هوس‌های نفسانی، عمل به دستورات خداوند، ذکر و شکر او در همهٔ حالات سفارش و دعوت می‌کنم.

 امیدواریم خداوند با الطاف و عنایات بی­کرانش همهٔ ما را مشمول توفیق خاص خود قرار داده و از بندگان خالص و مخلص خود قرار بدهد.

هفتهٔ قبل به گوشه‌هایی از واقعهٔ عاشورا اشاره کردیم. امروز هم زبان انسان در چنین روزی و روزهایی به جز یاد اباعبدالله (ع) و سخن از سالار شهدا به چیز دیگری نمی‌گردد.

 و باز هم عشق ما شیعیان و مشتاقان ولایت اقتضا می‌کند که چند جمله و سخنی باز از آن محبوب و معشوق دل‌های ما و سالار شهیدان داشته باشیم.

 روز هم روز بسیار حساس و یادآور خاطرات بسیار دلخراش و جان سوز عاشورا و کربلا است. بنابراین باز هم از حسین (ع) خواهیم گفت و از آنچه که خداوند در این وجود نازنین و چهرهٔ زیبای بشریت قرار داده مطالبی عرض می‌کنیم.

# دو سبط بزرگوار رسول خدا (ص)

 اباعبدالله (ع) از آغاز تولد چهرهٔ ممتازی داشت. اصولاً دو سبط بزرگوار رسول خدا (ص) و نوادهٔ پاک پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد بن عبدالله (ص) یعنی امام حسن و امام حسین (ع) از بدو تولدشان مشمول یک عنایت خاص خدا و لطف ویژهٔ رسول گرامی اسلام (ص) و نگاه مشتاقانهٔ مؤمنین و مسلمان‌ها بودند.

# مردم احترام خاصی نسبت به امام حسن و امام حسین (ع) داشتند

 حتی در میان جامعهٔ اسلامی کسانی بودند که کینه نسبت به امیرالمؤمنین (ع) داشتند. اما در مورد امام حسن و امام حسین (ع) یک احترام خاصی قائل بودند.

یعنی در جو اجتماعی آن زمان وضعیت و چهرهٔ امام حسن و امام حسین (ع) یک چهره‌هایی بسیار محبوب بودند.

افرادی بودند که نسبت به مقام والای مولای متقیان علی بن ابی طالب (ع) خیلی اظهار علاقه و اشتیاق نشان نمی‌دادند. اما برای امام حسن و امام حسین (ع) احترام قائل بودند.

# جامعه در چهرهٔ امام حسن و امام حسین (ع) رسول خدا (ص) را می‌دید

 آن‌ها را نواده و ثلالهٔ پاک رسول خدا (ص) می‌دیدند. علاوه بر آن یک خصلت‌ها، مجدها و یک فضیلت‌های اخلاقی در این دو آقازادهٔ بزرگ رسول خدا (ص) و نوادهٔ حضرت از طریق فاطمهٔ زهرا (س) می‌دیدند که تبعاً در مقابل این‌ها سر تسلیم فرود آورده بودند. با میل و علاقهٔ قلبی عشق می‌ورزیدند.

# زندگی امام حسن و امام حسین (ع) از اول الهی بود

زندگی امام حسن و امام حسین (ع) از اول یک زندگی الهی، غیبی، ملکوتی و آقازاده‌هایی با کمال احترام خود آن‌ها هم در اوج فضیلت‌های اخلاقی بودند.

 و در کنار همهٔ این امور که به صورت طبیعی جامعه­ای که به رسول خدا (ص) عشق می‌ورزید، دین و ایمان و آرمان خودش را از اسلام و از رسول الله الهام گرفته بود، قهراً همهٔ آن آرمان‌ها در امام حسن و امام حسین (ع) مجسم می‌دید. آن امتیازات شخصی خود این‌ها هم مزید بر علت بود.

# خصلت­های الهی در دو بزرگوار

آن صفا، صمیمیت، تواضع، سخاوت، علم، دانش، معرفت و مجموعهٔ خصلت‌های الهی که در آن‌ها جمع بود، این‌ها همه در کنار هم بود و از امام حسن و امام حسین (ع) یک چهره‌های قدسی در جامعه پدید آورده بود.

 چهرهٔ امام حسن و امام حسین (ع) چهره‌های واقعاً به تمام معنا مقدس بود، به تمام معنا محبوب دل‌ها بود.

 برای اینکه هم نوادهٔ رسول خدا (ص) بودند، هم فرزند زهرای اطهر (س) بودند، هم در خانهٔ علی (ع) پرورش یافته بودند، هم در خودشان همهٔ ارزش‌ها و خصلت‌ها و فضیلت‌ها جمع شده بود. این دو چهرهٔ نورانی و آقازاده‌های بزرگ اسلام چیزی کم نداشتند.

# عالی‌ترین وراثت‌ها در امام حسن و امام حسین (ع) جمع بود

 از وراثت بگیرید، عالی‌ترین وراثت‌ها در حسن و حسین (ع) جمع بود. ارثی که هم از رسول خدا (ص) هم از زهرای اطهر (س) هم از امیرمؤمنان هم از خدیجهٔ کبری و از ثلاله­های نور و دودمان‌های هدایت و رستگاری همه در این دو آقازاده جمع بود.

این از نظر وراثت است که چیزی کم نداشتند. از معنویت، انسانیت، ارزش‌ها و فضائل والای اخلاقی همه چیز در این‌ها تجسم یافته بود.

# تربیت دو امام بزرگوار

 در خانه ای تربیت شده بودند که مهد علم و معرفت و مجاهدت و شهامت و ایثار و پاک دامنی و هر چه خوبی بگویید آن خانه دارا بود. آن وراثت این هم تربیت در اوج خودش.

 این دو عامل مؤثر به تمام در این دو چهرهٔ نورانی جمع شده بود. شما این را حساب کنید، تبعاً جامعه به این‌ها علاقه مند بود و عشق می‌ورزید، واقعاً هم اینطور بود، هر چه از وراثت بگویید در این‌ها جمع بود.

# دودمان بنی هاشم

هر چه از نیکی‌ها که از دودمان بنی هاشم که دودمانی هستند که نسل به نسل وارث ارزش‌های والای الهی بودند.

دودمانی که همواره مشعل هدایت و رمز رستگاری مردم بودند و خاندانی که نسل به نسل مظهر تربیت اصیل بودند، دودمان بنی هاشم بودند.

 آن هم در دو شاخهٔ مهم که شاخهٔ رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) باشد. این دو شاخه سرآمد خاندان و دودمان ارزشمند بنی هاشم بودند.

هر دو شاخه به تمام معنا در قله بودند و این دو از طریق علی (ع) و زهرا (س) در حسن و حسین (ع) به تمام و به کمال و در اوج خودش جمع شده بود. این وراثت کم نظیر تاریخی در حسن و حسین (ع) است.

 آن هم تربیت در خانه­ای که رمز اخلاق، عرفان، معنویت، ایثار و مجاهدت بود. این هم محد تربیتی که در او حسن و حسین (ع) این آقازاده‌های عزیز عالم اسلام پرورش یافته بودند.

# وراثت و تربیت دو امام بزرگوار

 این وراثت و آن تربیت عجین شده بود و از حسن و حسین (ع) عالی‌ترین مظاهر اخلاق و معنویت پدید آورده بود. این‌ها را جامعه می‌فهمید. ارتکاذ ذهنی جامعه این را در ک می‌کرد و در کنارش می‌دید که از روز نخست تولد این دو بزرگوار مورد مهر و محبت بی­دریغ و خالصانهٔ رسول خدا (ص) بودند.

# خداوند همه­ی ارزش­ها را در دو امام بزرگوار جمع کرده بود

 بی هیچ کم و کاست عالی‌ترین عشق‌های رسول خدا (ص) نثار این دو آقازاده می‌شد. نه فقط به خاطر انتساب بلکه به خاطر این بود که همه ارزش‌ها را خدا در آن جمع کرده بود.

 و دست تدبیر غیبی الهی این دو کودک را به سمت هدایت امت اسلام هدایت می‌کرد و رهنمون می‌شد. این‌ها در ازهان جامعه بود.

 امام حسین (ع) یک چهرهٔ تازه وارد میدان شده، یک چهرهٔ کم سابقه و بی­سابقه یا از یک خاندانی کم مایه و سست پایه نبود. همه چیز در آن‌ها جمع بود.

# مظهر عشق خدا و رسول خدا (ص)

 بین این دو نفر هم حسین (ع) مظهر عشق خدا بود. مظهر عشق رسول خدا (ص) بود. جلوه گاه عشق زهرا (س) و علی (ع) بود و شیفتگی و شیدایی جامعه بود.

 شما روایات را ببینید تولد این کودک نورانی یک حال و هوای دیگری دارد.

# خصوصیت امام حسین (ع)

از ابتدای تولدشان رسول خدا (ص) بر مظلومیت او گریست. نورانیت حسین (ع) از ازل بود و در دودمان بنی هاشم همهٔ آن نورها منتقل و در حسین (ع) جمع شد.

 و خصوصیت حسین (ع) این بود که پنجمین نفر از پنج تن آل عبا بود.

آن پنج نوری که پایه گذار اسلام بودند که قبل از خلقت انسان‌ها در پیشگاه خداوند حاضر بودند. و او پنجمین بود و یادگار و سنگ نوشتهٔ همهٔ آن چیزهای قبلی بود که در حسین (ع) جمع شده بود.

 وقتی که ما به روایات و تاریخ اباعبدالله مراجعه کنیم می‌بینیم که از اول گرداگرد این نوزاد هاله­ای از قدس،معنویت و نور آمیخته شده بود. به حدی که رسول خدا (ص) بالاترین احترام‌ها را نثار این کودک می‌کرد که دیگران به حیرت می‌افتادند که در او چه اسراری است که اینطور مورد علاقه و احترام رسول خدا (ص) است.

# امام حسین (ع) قابل قیاس با دیگر کودکان نبود

 بعدها که وارد کودکی می‌شود، از همان کودکی علم و معرفت از سراپای این وجود نازنین می‌بارد. قابل قیاس با دیگر کودکان و انسان‌ها نیست.

بزرگان صحابه از این دو کودک و نوجوان درس می‌گیرند. بزرگانی مثل سلمان، ابوذر، بلال و چهره‌های فراوان دیگر از خلفا، این‌ها همه زانوی ادب در برابر حسن و حسین (ع) می‌زنند.

می دانید که حتی خلیفهٔ اول و خلیفهٔ دوم که احیاناً نسبت به علی (ع) گاهی تعرض می‌کردند اما در برابر این دو نازنین متواضع بودند برای اینکه چاره ای نداشتند.

 این‌ها دیگر هیچ چیزی حتی آن نقاط ضعف خیالی که برای علی (ع) تراشیده بودند و سوابق جنگش را نقطهٔ ضعفی قرار داده بودند. از هر طرف مورد احترام بودند. حتی خلیفهٔ اول و دوم بیش از پدرشان به این‌ها احترام می‌گذاشتند.

# سخاوت امام حسین (ع)

 اصحاب بزرگ از همین کودک و نوجوان علم و دانش می‌آموختند. کسی نبود که بشود به سادگی در برابرشان گذشت.

 اباعبدالله به خصوص مظهر صفاتی بود که در روایات آمده است. سخاوت فوق العادهٔ اباعبدالله (ع) که خیلی راحت از مال برای نجات دیگران می‌گذشت.

 آنقدر داستان در بخشش اباعبدالله(ع) نقل شده، در گره گشایی از کار مردم و واماندگان جامعه،در ادای قرض مردم، در ادای دین مردم در آزاد سازی بندگان آن وقت و دیگر چیزها، مظهر سخاوت الهی بود.

# رسیدگی به محرومان

رسیدگی به محرومان حتی تا آنجا که در قتلگاه که بود نشانه‌هایی از آن بر پشت مبارکشان هنوز باقی بود که شنیده‌اید.

که همیانی را به دوش می‌گرفتند وشب هنگام به در خانهٔ محرومان و مستضعفان می‌بردند و آثار آن کیسه و همیان در پشت حضرت بود تا وقت شهادت ایشان.

# مظهر شجاعت و صراحت لهجه

 در کنار این‌ها اباعبدالله (ع) مظهر یک نوع شجاعت و صراحت لهجه بود که ممتاز بود. از دیگران در این جهت امتیاز داشت.

 همه می‌دانستند، خلیفهٔ اول، دوم، سوم، بعدها معاویه در آن ده سال صلح امام حسن (ع) می‌دانستند که امام حسین (ع) یک زبان گویای به حق و صراحت لهجه ای دارد که هیچ کس تاب مقابله در برابر او نداشت. و این صراحت لهجه همراه شده بود با یک خطابهٔ زیبا.

# سخنرانی امام حسن (ع) و امام حسین (ع)

بارها شده که معاویه گاهی در مورد امام حسن (ع) گفته بودند نمی‌تواند صحبت کند. در جمع که معاویه هم بود گفت یک سخنرانی بکن. و حضرت یک سخنرانی کرد که همه انگشت حیرت به دهان گرفتند. خیلی عناد ورزیدند این دودمان منحوس بنی امیه نسبت به این دو آقازادهٔ تمام و کمال جامعه است.

و گفتند خوب حالا حسین (ع) را بیاوریم تا او صحبت کند شاید بشود نقطهٔ ضعفی از او بگیریم و او را رسوا کنیم. چند بار این قضیه واقع شده است. می‌گوید اباعبدالله (ع) خطبه‌هایش ضبط شده است. شرو ع به سخنرانی زیبا کرد و ضمن آن هم به شدت معاویه را مورد تهاجم قرار داد.

# امتیازات امام حسین (ع)

 صراحت لهجه، شجاعت، خطابهٔ زیبا و سخاوت او از امتیازات خاص اباعبدالله (ع) بود.

 ائمهٔ ما همه نور واحد هستند اما در عین حال مراتبی هم بنابر بعضی نظریات بین آن‌ها هست. و بعضی امتیازاتی دارند که در آن‌ها بیشتر تجلی کرده و اباعبدالله(ع) از آن امامانی است که در ایشان امتیازات وجود دارد. و تجلیات خاص خدا در او بروز پیدا کرده است.

سخاوت و شجاعت و شهامت و خطابهٔ شورآفرین و صراحت لهجه برای هر کدام از این‌ها داستان‌ها نقل شده است. و معجزاتی که از حضرت نقل شده، علم و دانشی که حضرت داشتند که معمولاً صحابهٔ بزرگ جا افتاده مثل سلمان و ابوذر زانوی تعلم می‌زدند.

# اخلاق خوب و گشاده­رویی دو امام بزرگوار

 در همان سنین کودکی امام حسن و امام حسین (ع)، اخلاق خوب آن‌ها، گشاده رویی این دو بزرگوار در برابر دیگران و بسیاری از ویژگی‌های دیگری که از امام حسین (ع) یک چهرهٔ خاص و ممتازی فراهم کرد و به همین دلیل هم خداوند به ایشان امتیازاتی داد که شنیده‌اید.

# تحمل صبر امام حسین (ع)

تحمل صبر حضرت که راوی می‌گوید با اینکه در روز عاشورا اصحابی که به شهادت رسیدند و در خیام اباعبدالله (ع) بودند همه عالم غیب را تماشا کردند. مخصوصاً در روایات دارد که بعد از آن آخرین امتحان شب عاشورا که خیلی امتحان سختی بود، شما هوا و فضای کربلای حسین (ع) را تصویر کنید که در شب عاشورا لشکر حداقل 30000 با همهٔ تجهیزات، با پشتوانه ای که از کوفه می‌شود و دائم عبیدالله لشکر بسیج می‌کرد و با پشتوانی که از شام می‌شود یعنی از دو مرکز بزرگ قدرت و جمعیت بزرگ از کوفه و شام مرتب کربلا جبههٔ یزید پشتیبانی می‌شود.

# از هر سو باران مصیبت بر امام حسین (ع) فرود می­آمد

آن وقتی هم که حضرت مسلم به شهادت رسید، شروع به یک محاصره شد. لحظه به لحظه بعد از شهادت مسلم بعد از آن غربت جان گداز مسلم در کوفه حلقهٔ محاصره برگرد اباعبدالله (ع) تنگ­تر شد.

 از هر سو باران مصیبت بود که بر حضرت فرود می‌آمد و آخرین منزلگاه کربلا بود.

اما تا شب عاشورا هر لحظه در کنار این که حلقهٔ محاصرهٔ این جمع بیشتر فشرده می‌شد. و عده­ای مرتب فرار می‌کردند.

حالا شما حساب کنید حلقهٔ محاصره تنگ تر می‌شود، دشمن مجهز تر می‌شود، از هر سو سربازان و نیروی محاصره کننده بیشتر می‌آید و از این طرف هم از درون لشکر اباعبدالله (ع) می‌روند.

# امام حسین (ع) امید داشت شاید صلحی بشود

امام (ع)در عین حال این چند شب در کربلا یک امیدی داشت که شاید صلحی بشود، شاید پیام صلحی بیاید، شاید فرجی فراهم آید.

 اما شب عاشورا نقطه­ای بود که همهٔ امیدها قطع شد. همهٔ رشته‌های امید به نجات و حل مصالمت آمیز این فشار سخت و توهین آمیز و ستمکارانه تمام شود و همهٔ امیدها به پایان رسیده بود.

# ناصافی­ها همه رفته بودند

 این است که شب عاشورا بعد از آن اتمام حجتی که حجت خداوند اباعبدالله الحسین (ع) نسبت به اصحابش انجام داد که آن شب ناصافی‌ها همه رفته بودند. از مکه منزل به منزل ناپاک‌ها فی قلوبهم مرض‌ها و دل بستگان به دنیا و ترسیدگان از سختی دنیا یکی یکی رفته بودند.

یک جمع صاف شده و پاک و خالص و ناب مانده بودند و اتمام حجت شد.

# فردا همه به سوی شهادت خواهیم رفت

 آن شب دیگر معلوم بود و حضرت فرمودند که قطعی است، فردا همه به سوی شهادت خواهیم رفت، فردا همه به خون خواهیم افتاد.

 بدانید دخترانم، زن‌ها شما هم به اسارت می‌روید. اما اگر شما امشب بروید قضیه برای شما حل است. من به شهادت می‌رسم.

 آن شب همه گفتند نه ماندگار هستیم ما در کنار حجت خدا و اباعبدالله الحسین (ع) باقی می‌مانیم و ماندند.

# درهای آسمان به روی خیام حسین (ع) باز شد

بعد از این آزمایش سخت درهای آسمان به روی خیام حسین (ع) باز شد.

 وقتی که کسی از این امتحان‌های سخت بگذرد، بهشت را می‌بیند، عرش خدا را نظاره می‌کند، عالم غیب را به تماشا می‌نشیند و آن شب شبی بود که این بزرگواران عالم غیب را دیدند.

 اباعبدالله (ع) منظرهٔ آسمان‌ها و بهشت و عرش خدا را به این جوانان و پیرمردان و زنان خیام نشان داد، شما آن جایگاه را دارید.

آن‌ها از همان شب عاشورا در بهشت بودند. از یک امتحان سختی عبور کردند که درها باز شد، حجاب‌ها کنار رفت، عالم غیب نمایان شد. اصحاب جایگاه‌های خودشان را دیدند. و مشتاقانه در آن روز بعد جان فشانی کردند.

# شهدای کربلا مراتب دارند

 این شب عاشورا با آن ویژگی‌ها، اباعبدالله(ع) همه جا مظهر صبر و تحمل است. همهٔ آن‌ها عالم غیب را دیدند اما راوی می‌گوید در بین این جمع در روز عاشورا خود امام حسین (ع) و بعضی خصائصه اصحابه چند تا معدود بودند که این‌ها باز ممتاز بودند.

 این‌ها چهره‌شان طوری بود که گویا سختی در برابرشان نیست. گویا همهٔ مشکلات حل شده است، گویا همهٔ تیرهای بلا و همهٔ سرنیزه‌ها و سنگ ریزه‌ها و تهاجم دشمن شاخه گل‌هایی است که به این‌ها هدیه می‌شود. این خیلی عجیب است. این خود حسین (ع) بود. تیر می‌خوردند سرنیزه دریافت می‌کردند اما گویا شاخه گلی می‌گیرند. چهره­ای خندان، بشاش، شاداب. این‌ها بعضی بودند. شهدای کربلا مراتب دارند. همه در یک مرتبه نیستند.

# گریه­ی بر حسین (ع)

اینطور بود که حسین (ع) جامعیت داشت که گریهٔ بر حسین (ع) آنقدر ثواب‌ها دارد. واقعاً آدم تعجب می‌کند.

 شما بحار و کتاب‌های دیگر را بخوانید و ببینید صدها روایت در ثواب گریهٔ بر حسین (ع)، ثواب بر زیارت حسین (ع)، ارزش والای تربت حسین (ع)، نام و یاد حسین (ع)، زیارت حسین (ع)، حتی اگر توفیق قبرش نداری بالای پشت بام السلام علیک یا اباعبدالله، چه ثواب‌هایی گفته شده است.

گاهی عقل متحیر می‌ماند که این چه رمزی است در حسین (ع) که اینقدر ثواب بر گریه او، نام و تربت او ذکر شده است. سرودن شعر دربارهٔ او، اقامهٔ مجالس برای او، ذکر مصیبت برای او که دربارهٔ هیچ امام دیگری ما نداریم. گریه در هر جا کراهت دارد اما برای حسین (ع) بالاتری ثواب‌ها را دارد.

# روضه

حالا روز عاشورا است روزی است که دیگر اباعبدالله (ع) آمادهٔ شهادت است. همهٔ اصحاب به زمین افتادند. همه رفته‌اند و تنها کسی که باقی مانده حسین (ع) بوده. از آن طرف اهل خیمه زن و بچه‌ها در انتظار هستند و از این طرف هم حسین (ع) تنها مانده است. راوی می‌گوید این‌ها در ارشاد مرحوم شیخ مفید است. می‌گوید که یک وقتی دیدیم که عمر سعد صدا زد که برای چه ماندید؟ حسین (ع) را خلاص کنید. می‌گوید دیدیم لشکر به او حمله کرد و اباعبدالله تیرها و شمشیرها و نیزه‌های بلا را به جان می‌خرید. چقدر دلخراش است آن لحظه ای که حضرت با آن تشنگی معلوم بود که آب نیاز دارند و شمر می‌گوید تو آب نمی‌خوری تا به جهنم برسی. معاض الله.

 امام حسین (ع) می‌فرماید من در آستانهٔ ورود به بهشت هستم. می‌گوید وقتی تیری آمد و به جبههٔ حضرت خورد، حضرت آن تیر را از پیشانی خود کشیدند. (فصالت الدماع علی وجهی و لهیت) سراسر چهرهٔ نورانی حسین (ع) پر از خون شد. صدا زد خدایا تو میدانی که چطور این امت با من عمل کردند. تو می‌بینی. حضرت مثل یک شیر غضب ناک باز به آن‌ها حمله کرد اما آن‌ها او را رها نکردند. می‌گوید من دیدم که حسین (ع) سی و چندتا تعداد زیاد جای نیزه و شمشیر بر بدنشان مبارکش است و در بعضی تعبیرها تعداد بیشتر گفته شده است. می‌گوید در این حال یک وقتی دیدم که حسین (ع) از معرکه کنار آمد تا کمی استراحت کند.

بسم الله الرحمن الرحیم. اِنّا اَعْطَیْناکَ الْکُوثَر فَصَّلِ لِرَّبکَ وانْهَر اِنَّا شانِئَکَ هُوَ الاَبْتَر [[2]](#footnote-2)

#  خطبه دوم

اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمدالله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنتهدی لولا ان هدانا الله ثم صلاة و سلام علی سیدنا و نبینا ابالقاسم محمد (ص) **و** علی اهل بیته الاطیبین الاطهرین لا سیما سیدنا و مولانا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) ‌و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنه و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج) حججک علی عبادک و امناءک فی بلادک اعوذ بالله سمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم،‌ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ اتَّقُواْ اللّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلاَ تَمُوتُنَّ إِلاَّ وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ[[3]](#footnote-3)عبادالله اوصیکم و نفسی بتقوا الله و ملازمة امره و مجانبت نهیه، و تجهزوا عبادالله فقد نودی فیکم بالرحیل و تزودوا فان خیر الزاد التقوا

بار دیگر همهٔ خواهران و برادران ارجمند و گرامی و خودم را به پارسایی، تقوا، پرهیز از گناه و معصیت و ذکر و شکر خداوند سفارش و دعوت می‌کنم.

 امیدواریم خداوند عزاداری‌های ما را خالص و مقبول درگاه خودش قرار بدهد.

# مناسبت­ها

ایام سوگواری اباعبدالله الحسین (ع) را به همهٔ عزیزان و حضار و برادران و خواهران ارجمند و به ویژه به محضر مبارک حضرت بقیة الله الاعظم (ع) تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم و همین طور بنابر نقلی فردا سالروز شهادت امام سجاد (ع) پیام آور حماسهٔ عاشور است که این روز را هم تسلیت عرض می‌کنم. البته در شهادت آن حضرت دو قول است. یکی دوازدهم و یکی هم بیست و پنجم محرم است.

ان‌شاءالله خداوند همهٔ ما را از پیروان عاشورا و مکتب پر درس و الهام عاشورا قرار بدهد. و همینطور لازم میدانم که از همهٔ عزاداران اباعبدالله (ع) و هیئات و عزیزانی که در این ایام عزا و سوگ سالار شهدا و اصحاب و یارانش با همهٔ وجودشان اظهار علاقه و شور و احساسات کردند باید تشکر کرد.

# حضور در هیئات

 بحمدلله منطقهٔ ما این افتخار را دارد که دارای هیئات خوب، متعدد و در ایام عاشورای حسین (ع) از راه‌های گوناگون اظهار علاقه و محبت نسبت به اباعبدالله (ع) می‌شود و قطعاً آثار معنوی بزرگی برای فرد و جامعهٔ ما دارد.

 بحمدلله بنده در حدی که خودم توفیق پیدا کردم در بعضی از هیئات حضور پیدا کردم. قسمت‌های دیگرش هم روشن و معلوم است . هم جمعیت خوب، نظم و انضباط خوب و تا حدی برنامه‌های خوب و در کنار عزاداری‌ها اطعام نسبت به فقرا و مستمندان و برنامه‌های این چنینی خوب بوده و من واقعاً تشکر می‌کنم.

 حتی بعضی از موارد که احتمال یک شقاقی بود که الحمدلله با وحدت و انسجام و با خوبی عزاداری‌ها انجام گرفت و انتظار هم از یک مردم صاحب فرهنگ، اندیشه و فکر و علاقه مند به اباعبدالله همین است.

# مراسم­ها نسل آینده­ی ما را حفظ می‌کند

 و الحمدلله هر جا هم که انسان نگاه می‌کرد نسل جوان، جوانانی که در عزای حسین (ع) با عشق شرکت کرده بودند که واقعاً قابل تقدیر است. قدر این عزا را باید دانست و خانواده‌ها باید بدانند که همین مراسم است که نسل آیندهٔ ما را حفظ می‌کند.

 و جوان‌ها هم بدانند که حماسه و درس زندگی و رشادت و نجات و رستگاری انسان در مکتب حسین (ع) است. سلام بر خدا حسین (ع).

 هر چه داریم از حسین (ع) است. و جوان‌های عزیز بدانند که بهترین جایگاه نثار عشق و علاقه حسین و یاران حسین (ع) هستند. درس زندگی و سعادت را به انسان می‌دهند.

# پیش بینی زینب کبری (س)

بحمدلله مراسم‌های خوب و ارزشمند و بهتر از سالهای قبل و همینطور هم باید باشد. این پیش بینی زینب کبری (س) بود که سال به سال بر عظمت ماه افزوده خواهد شد.

 به بن زیاد گفت که بله تو کشتی، بستی، به اسارت بردی، به خیال خودت ما را به مذلت کشاندی اما به خدا قسم بدان که یاد ما در گذر قرن‌ها باقی خواهد ماند.

 درست است که آن تابلوی غم انگیز و ناامید کنندهٔ ظهر و عصر عاشورا خیلی از آن سراسر نا امیدی می‌بارد اما در منطق زینب (س) سراسر امید است. از همین روز یازدهم موج شهادت حسین (ع) در درون جامعه خود را نشان داد.

بر خلاف نظر ظالمان و ستمکاران که پایان رسالت و نبوت و امامت و ولایت را به خود مژده می‌دادند، تازه در غروب خونین عاشورا و صبح مظلومانهٔ یازدهم عاشورا خورشید ولایت و شهادت از افق سر می‌زد.

# غروب خونین عاشورا

 در غروب خونین عاشورا که همهٔ امیدها قطع شده بود، خورشیدی از معنویت و قدس، شهامت و رشادت، امامت و ولایت، از صحرای سوزان کربلا، از کنار آن نعش‌های نورانی و چهره‌های مطهر آن‌ها از کنار سرهای به اسارت برده شده و قافلهٔ اسرا خورشیدی به عظمت عالم و عظمت تاریخ داشت طلوع می‌کرد.

# وظیفه­ی ماست که این مکتب را بشناسیم

 این را زینب (س) پیش بینی کرد. سال به سال هم بر شکوه آن افزوده شد و وظیفهٔ ماست و نسل جوان ماست که این مکتب را بشناسد و به این جای بزرگ عشق بورزد و همین طور هم هست.

بعضی از موارد آدم فکر می‌کند که جوان آنطور چیزی ندارد. ولی بر حسین (ع) که بیاید، می‌بینیم که همه در دل عشق ولایت دارند. همه در دل نور حسین (ع) را احساس می‌کنند. این ارزش دارد. خوب بود و باز هم باید بهتر شود.

# هیئت­ها را الهی کنید

 هیئات ما، متعهدان ما، افراد عزیز و متعهد ما در جامعه باید سعی کنند هیئت‌ها را الهی کنند، معنوی کنند. مرثیه‌ها و نوحه‌ها را پر کنید از حماسهٔ حسین (ع)، از پیام عاشورای حسین (ع). خرافه زدایی کنید، محتوا بدهید، برنامه بریزید که از ایام و مراسم عزای حسین (ع) استفاده‌های خوب بشود.

# وظیفه­ی هیئت­ها

 هنر خوب را در خدمت عزای حسین (ع) قرار دهید. و وظیفهٔ همهٔ هیئات، عزاداران، جامعهٔ ما، روحانیت ما و همه این است که این خانهٔ حسین (ع) را گرم بداریم و با موازین درست. الحمدلله چنین بوده، باز هم چنین خواهد شد.

 و ان‌شاءالله از اختلاف‌ها پرهیز کنیم و سال به سال همین روال و خط اخلاص و شکوه و محتوای خوب و ارزش‌های خوب را ادامه دهیم.

# همایش مشاورهٔ دینی

و نکتهٔ بعدی هم در روز پنج شنبه و جمعهٔ آینده همایش مشاورهٔ دینی هست که یک همایش و کنگرهٔ کشوری است و در دانشگاه میبد برگزار می‌شود که نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، خود دانشگاه و عزیزانی تلاش کردند و در سطح کشوری تعداد زیادی از اساتید دانشگاه، فضلای حوزه و ان‌شاءالله یک همایش خوبی در شهر ما برگزار خواهد شد و ما مهمانانی از دانشگاه و حوزه خواهیم داشت.

# استفاده و اجرای این برنامه­ها ارزشمند است

 تبعاً برای معلمان و مربیان و تحصیل کرده‌ها و فرهنگیان ما و نسل جوان ما استفاده از این برنامه‌ها و اجرای این برنامه‌ها ارزشمند است. الحمدلله شهر و منطقهٔ شما جایی است فرهنگ پرور، ما تا به حال مراسم و کنگره‌ها و همایش‌های خوب داشتیم. این هم از آن همایش‌هایی است که در موضوع مشاورهٔ دینی است که از موضوعات مهمی است.

 و واقعاً باید خانواده‌ها، معلمان و مربیان ما آنچه که لازم است در برخورد با نوجوانان و جوانان و دادن مشاوره و راهنمایی آن‌ها با راه‌های علمی و درست و منطبق با موازین اسلامی آشنا شوند. این همایش علمی، سطح بالا و ان‌شاءالله مؤثر خواهد بود در کل کشور و امیدواریم که به نحو خوب برگزار شود.

# تشکر از هیئات

 من اینجا از همهٔ آن‌هایی که تلاش کردند تشکر می‌کنم. و ان‌شاءالله همهٔ عزیزان و مسئولان از این همایش استقبال کنند. و یک برنامهٔ خوب در پنج شنبه و جمعهٔ آینده در سطح کشور و در شهرمان داشته باشیم.

# رسیدگی به مسائل اخلاقی و تربیتی فرزندان

نکتهٔ آخر هم این است که در ایام پایان سال است. تحصیل فرزندانتان، رسیدگی به مسائل اخلاقی و تربیتی آن‌ها را توجه داشته باشید.

و به تدریج به اوقات امتحان می‌رسد و رسیدگی و توجه به نوجوانان و جوانان و عزیزان و دختران و پسرانی که تحصیل می‌کنند لازم است.

# توجه به کنکور

و همینجا من این نکته را باید عرض کنم که ما هرسال کنکور را برگزار می‌کنیم و الحمدلله تحصیل کرده‌های زیادی داریم و افراد متعهد، تحصیل کرده و خوب در عین حال بحث کنکور را واقعاً خانواده‌ها باید به آن توجه داشته باشند.

 طوری نشود که اگر جوان شما نتوانست در یک جهتی پیشرفت کند یا در کنکور موفق شود این را نشانهٔ ضعف و شکست او ببینید. یا خودش احساس ضعف و شکست کند که این خیلی خطرناک است.

# هر کسی یک ذوق و استعدادی دارد

 هر کسی یک ذوق و استعدادی دارد و هر کسی در یک جهتی می‌تواند موفق شود. در خانه اینطور فکر می‌شود و گاهی خود جوان باورش اینطور است.

مهم این است که اخلاق و معنویت و روحیهٔ کار و تلاش باشد. خداوند هر کسی را یک جور آفریده است. ما باید همهٔ تلاشمان را بکنیم که به مدارج عالی علمی برسیم و نسل جوانمان در علم و دانش به عالی‌ترین درجات برسد اما هرکسی ذوق و سلیقه ای دارد.

# برخورد با جوانان

برخورد با جوان مخصوصاً اگر در یک جایی موفق نشود باید خیلی حساب شده باشد. اگر تحقیرآمیز باشد، اگر بی­حساب و کتاب باشد منشأ مفاسد و عقده‌ها می‌شود ما مسئول هستیم. اگر کسی نمره کم آور با زور و زدن نمی‌شود درس او را خوب کرد. اگر در کنکور قبول نشد این تنها راه سعادت نیست. درس و علم باید با عشق و علاقه باشد. باید با راه‌های درست بچه‌ها را پیش برد.

# مسائل اخلاقی را مهم بدانیم

 هرگز فکر نکنیم که در مسائل با تندی و ضرب و زور و با تحقیر و فشار می‌توانیم نسل جوان و بچه‌ها را هدایت کنیم نه اینطور نیست. مسائل اخلاقی را باید مهم بدانیم.

گاهی مسائل اخلاقی تحت الشعاع مسائل تحصیلی قرار می‌گیرد که آن هم اشتباه دارد. ظرافت‌های در برخورد، اگر کسی موفق نشد راه موفقیت را در جای دیگر باید به آن‌ها نشان داد. این‌ها نکاتی است که باید واقعاً خانواده‌های ما و آموزش و پرورش ما توجه کنند.

گاهی می‌بینیم که کسی دانشگاه نرفت ولی در یک هنری خیلی پیشرفت می‌کند. در یک کار فنی خیلی قوی است و روحیهٔ کار و تلاش عمده است، حالا هر کسی در جهت استعدادهایی که دارد.

این هم نکتهٔ دیگری بود که تذکرش در این ایام لازم بود و برخورد درست، تحقیر نکردن و فرد را گاهی با یک امتحان که رد می‌شود یا کنکور قبول نمی‌شود، چنان تحقیر میکنند که دیگر به درد هیچ کاری نمی‌خورد. این دست ما و اشتباه ما است که درست برخورد نمی‌کنیم. این‌ها را بدانید، مهم این است که هر کسی در جهت ذوق و استعداد خود پیشرفت کند و همه هم یک جهتی دارند که ان‌شاءالله مورد توجه باشد.

# دعا

نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الاعز الاجل الاکرم یا الله یا الله یا الله...

خدایا تو را به حسین (ع) و خون پاک او قسم می‌دهیم ما را حسینی قرار بده! خدایا تو را به عاشورا سوگندت می‌دهیم ما را عاشورایی قرار بده! ما را ولایت و محبت اهل بیت (ع) لحظه ای جدا نفرما! ...

بسم الله الرحمن الرحیم

قل هو الله احد الله صمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد

1. آل عمران،‌102 [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره کوثر آیات 1 تا 3 [↑](#footnote-ref-2)
3. آل عمران، 102 [↑](#footnote-ref-3)